



## بررسی کتاب

مود، مرکز نهارجان: بررسی اوضاع اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی مود، مرکز نهارجان / نویسنده: اسدالله زمانی پور. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۱ (چاپ اول)، ۶۲۹ صفحه.

مود، مرکز نهارجان

نویسنده: دکتر اسدالله زمانی پور



مود، روستایی بزرگ است که در ۳۲ کیلومتری جنوب شرقی شهر بیرجند و در مسیر جاده زاهدان واقع شده و در دو قرن اخیر، ام‌القرای منطقه نهارجان و نایب‌نشین آن بوده است. منطقه نهارجان دارای ۱۶۸ ده بزرگ و کوچک است که در بخش مرکزی بیرجند و در سمت شرق و جنوب شرقی آن قرار دارند. کارشناسان میراث فرهنگی از روی آثار موجود واقع در تپه‌های شمالی مود، قدمت این روستا را هشت تا شانزده هزار سال تخمین می‌زنند. قبل از اسلام، مود از مراکز مهم جمعیتی منطقه قهستان بود. این روستا، به لحاظ مورفولوژی، از نوع دهات جلگه‌ای محسوب می‌شود. مود، با بهره‌مندی از آب پنج قنات و بهره‌گیری از زمین‌های سه کشمان و سه دشت حاصل‌خیز و بندسارهای متعدد، دارای قدرت تولیدی بالاست و از دهات غله‌خیز منطقه به‌شمار می‌رود که در طول تاریخ حیات خود نیز با توان تغذیه جمعیتی بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر، همواره از خودکفایی نسبی برخوردار بوده است. از این‌رو، در روستای مود، تا پیش از تأسیس دبستان در سال ۱۳۰۶ خورشیدی، شش مکتب‌خانه مختلط مذهبی به فعالیت‌های آموزشی مشغول بوده‌اند. افزون بر این، تأسیس نخستین دبیرستان در ولایت قهستان بعد از شهر بیرجند، در سال ۱۳۲۶، به روستای مود برمی‌گردد که در سال‌های اخیر، همین مرکز تجمع انسانی به داشتن دانش‌آموختگان پرشمار در سطح دکتری بلندآوازه شده است؛ همچنین، به‌خاطر تولید قالی‌های مرغوب در سطح ملی و حتی جهانی نیز مود شهرتی خاص یافته و به‌تازگی نیز تبدیل به شهر شده است.

کتاب «مود؛ مرکز نهارجان» سرگذشت تاریخی و سرنوشت واقعی این مرکز تجمع انسانی است که حاصل ده‌ها سال تجربه و تحقیق بوده و در ۶۳۰ صفحه تنظیم و تألیف شده است. این کتاب، از نظر محتوا و شیوه پژوهش و نیز طرز نگارش، با مونوگرافی یا تک‌نگاری متفاوت بوده، نخستین اثر از این دست در کشورمان به‌شمار می‌رود؛ بدین معنی که در این اثر، ده به‌صورتی خاص تعریف و به‌گونه‌ای نظام‌مند بررسی شده است. جمعیت انسانی مقیم هر ده یک نظام اجتماعی روستایی را تشکیل می‌دهد. این نظام از هشت جزء تشکیل شده است که با همدیگر ارتباط زیربنایی و نیز هماهنگی و همکاری همیشگی دارند و از طریق پیوستگی زیربنایی به هم مربوط شده، از همدیگر تأثیرپذیر و بر همدیگر تأثیرگذارند. به‌طور کلی، این نظام در یک ظرف کالبدی و طبیعی و جغرافیایی به نام «ده» قرار گرفته و آن هم به نوبه خود در ظرف دیگری محصور است که محیط فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ویژه آن را تشکیل می‌دهد. اجزای هشت‌گانه نظام اجتماعی روستایی عبارت‌اند از: تولید، اعم از کشاورزی و غیرکشاورزی؛ بازاریابی؛ اداره امور؛ آموزش؛ عرضه؛ تحقیق؛ مراقبت‌های بهداشتی؛ و بالاخره، مراقبت‌های شخصی. تمام اطلاعات و دانستنی‌های مربوط به یک ده را می‌توان در همین هشت جزء طبقه‌بندی کرد و جای داد و آنگاه رابطه منطقی و علت‌ومعلولی آنها را به‌درستی جست و تفسیر و تبیین کرد. بنابراین، در این اثر، روش کار بررسی و تحقیق در مورد همین هشت جزء نظام اجتماعی روستایی بوده که زیر عناوین مربوط به هر کدام، در هشت فصل بررسی شده است. جلد اول این اثر به بررسی و تحقیق پیرامون دو مقوله «ظرف کالبدی و طبیعی و جغرافیایی» و «ظرف اجتماعی و فرهنگی و تاریخی» دربرگیرنده نظام اجتماعی روستایی می‌پردازد؛ جلد دوم اختصاصی‌تر بوده، به بررسی و تحقیق درباره هشت جزء نظام اجتماعی روستایی «مود، مرکز نهارجان» خواهد پرداخت. اگر تنها با ملاک عدد جمعیت جلو برویم، در سطح کشور، نزدیک به پنج هزار ده مشابه مود خواهیم یافت که اگر برای هر کدام از آنها، دو جلد کتاب به

همین شیوه تهیه و تألیف شود، آنگاه نزدیک به ده هزار جلد کتاب فراهم خواهد آمد، که کاری عظیم و کارستانی سترگ خواهد بود و امیدوارم چنین شود.

باری، جلد اول کتاب «مود؛ مرکز نهارجان» در پنج فصل تنظیم و تحریر شده است. افزون بر این، کتاب با مقدمه بسیار زیبا و زیننده و عالمانه زنده‌یاد پروفیسور «محمدحسن گنجی» پدر علم جغرافیای ایران و مرد سال ۲۰۰۰ در زمینه هوشناسی جهان آغاز می‌شود. فصل اول اختصاص به کلیات دارد. فصل دوم با عنوان «موقعیت جغرافیایی و اوضاع طبیعی مود» آغاز می‌شود. فصل سوم زیر عنوان «خصوصیات فرهنگی و اجتماعی قهستان» آمده که در واقع، همان ظرف اجتماعی و فرهنگی نظام اجتماعی روستایی مود است. فصل چهارم به ویژگی‌ها و خصوصیات فرهنگی و اجتماعی نهارجان و مود اختصاص یافته است، که البته مفصل‌ترین فصل کتاب نیز به‌شمار می‌رود و دربردارنده جالب‌ترین اطلاعات پیرامون مود و منطقه نهارجان است. فصل پنجم و آخرین فصل کتاب زیر عنوان «دل در قهستان کوه مراد است» به ذکر ادبیات عاشقانه و افسانه‌های عشاقی که طعنه بر فرهاد می‌زنند، داستان چوپان سرگشته سرزهی، عاشقی که از سمسول‌آباد شبانه به فنود می‌رفت، و دو معلم دلداده و علاقه والدین به اولاد و نوه‌ها، و مسائل خانوادگی و وطن‌دوستی می‌پردازد. در واقع، این فصل ویژگی‌های قلب صنوبری و بی‌قرار این مردم را در سه جهت عشق و دلدادگی، عشق به اولاد و خانواده، و عشق به وطن و محل تشریح می‌کند. خواندن این کتاب را به همگان، به‌ویژه مردم جنوب خراسان و دیار نهارجان، توصیه می‌کنم، چرا که برای پیران یادآوری مسائل و مطالب و اوضاع گذشته و برای جوانان نیز دانستن آنها ضرورت است. از خداوند بزرگ توفیق اتمام جلد دوم این اثر را خواهانم.

اسدالله زمانی پور